



عبدالواسع غفاری

بخش چهارم

قانون و قانونیت در دوره نادرشاه

اکتوبر 1929 الی نوامبر 1933 (1308 / 1312 هجری)

سردار محمد نادر پسر سردار محمدیوسف در سال 1883 میلادی در شهر دیره دون هندوستان بدنیا آمد. تحصیلات خویش را بشکل خصوصی در هندوستان انجام داد در سال 1901 میلادی از تبعید به افغانستان برگشت، و شامل اردو گردید. در دوره امانیه در موقفهای بلند اردو ایفای وظیفه کرد، و در جنگ افغان و انگلیس یعنی حصول استقلال کشور موفق به شکست انگلیسها گردید و به رتبه سپهسالاری نایل شد. چون اختلافات بین او و امان الله خان بروز نمود، در سال 1924 میلادی بحیث وزیر مختار افغانی در پاریس مقرر گردید. در سال 1928 به اساس دعوت احمدشاه خان پسر کاکایش جهت اشتراک در اغتشاش علیه دولت به پکتیا آمد و با متعصبین مذهبی دست به هم داد، علیه دولت امانیه بانیرنک خاص قرار گرفت. و پس از شکست دادن حبیب اللہ کلکانی قدرت را بدست گرفت.

اساس سلطنت نادرشاه با قانون و عهد شکنی گذاشته شد. بدلیل اینکه نادرشاه برادر خود شاه محمودخان را جهت مذاکره با حبیب اللہ و سید حسین به چهار یکار فرستاد، بعد از تماس و مفاهمه با آنها در صفحه قرآن شریف امضاء و متعهد به تضمین حیات حبیب اللہ و رفقاییش شدند. اما با مواصلت گروه حبیب اللہ به کابل در ظرف ده روز همه شان را بقتل رسانید. و بعدا جهت ایجاد ترس در بین مردم آنهارا در محضر عام آویزان کرد. با جلوس بر تخت پادشاهی مرانامه حکومت خویش را در ده فقره، نشر نمود. با آنکه تا حدودی از پرنسیپهای حقوقی را درج فرمان خویش

نموده بود ، اما نظریه قوانین امانیه در جهت منافع عامه قرار نداشت ، با آنهم در تطبیق آن اقدام نه نمود. فقرات متذکره عبارت انداز:

۱- حکومت موجوده موافق با احکام دین مقدس اسلام و مذهب حنفی امور مملکت را اجرا خواهد کرد. برای اینکه شریعت غرای محمدی در امور مملکتی قایم و دایم باشد. ریاست شورای ملی، وزارت عدلیه مسئول میباشند... موافق به احکام دین اهالی افغانستان بدون امتیاز قومیت و نژاد باهم برادر و در حقوق مساوی شناخته میشوند. حجاب در افغانستان موافق به دین و شریعت محمدی قائم خواهد بود.

۲- منع شراب نوشی و مجازات آن طبق احکام شریعت اسلامی.... و هرگاه مامور دولت شراب بنوشد بر علاوه جزای شرعی از ماموریت طرد میشود.

۳- تنظیم اردو و افتتاح مکتب حربیه در پلان داشت

۴- سیاست خارجی کشور تا حدودی شباهت به دوره امانیه داشت.

۵- شکل استخدام مامورین ، سپردن کار به اهل کار، سیستم

مخابرات، تلیفون، تیلیگراف و پست

۶- سیستم مالیات و گمرکات به شکل دوران امانیه.

۷- ایجاد مناسبات تجارتي با دول خارجی، استفاده از معادن، طرح سیستم آبیاری و تمديد خط آهن و عده داده شد.

۸- ایجاد معارف (علم و فن) به انعقاد شورای ملی موکول گردید.

۹- تشکیل شورای ملی.

۱۰- تشکیل کابینه و تعیین صدر اعظم... (شماره اول سالنامه کابل سال 1311)

نشر این سند به شکل رسمی جهت بازی دادن مردم و افکار جهانیان بود، ولی در عمل یک دولتی که در آن از قانون و قانونیت خبری نبود، دولت مردان اراده تطبیق قانون را نداشتند. خلاصه حکومت مملو از ترور و اختناق را بوجود آورد. چنانچه شاه چند روز بعد از جلوس خوش در قصر گلخانه در مجلس عمومی راجع به سیاست دولت چنین اظهار داد: (حکومت موجود نخواهد گذاشت که مثل دوره امان الله خان هر کس بتواند در سیاست حرف بزند...) صفحه 44 جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ اثر مرحوم میر غلام محمد غبار.

نادرشاه با مفکوره ، که شاه سایه خداوند (ج) میباشد ، رژیم فیودالی که براریستوکراسی و اولیگارشی ، در نقاب مذهب پوشانیده شده بود بوجود آورد. جارج آرنی در صفحه 24 اثر خود بنام افغانستان مینگارد که : (پستهای مهم رابه رهبران مذهبی داد و مجمع علما را تاسیس کرد تا آموزش بر مبنای اساسات اسلامی صورت گیرد. و به اساس ماده اول قانون اساسی نادرشاه بصورت قطعی حرکت امان الله را بطرف یک دولت عقبگرا سوق نمود. گرچه در ظاهر امر ، رژیم نیمه پارلمانی را که پادشاه کابینه را سرپرستی می نماید و در برابر پارلمان مسئولیت دارد، ترسیم نمود. علاوه تا چنین اضافه کرده بود که برده گی و زندانی کردن افراد بدون حکم محکمه

منسوخ میباید، تعلیمات ابتدائی را اجباری وانمود کرد. اما در عمل عکس مندرجات قانون اقدام مینمود. چراکه اورگان ثلاثه کشور توسط شاه و برادرانش باخشونت رهبری می گردید، بخصوص هاشم خان که صدراعظم بود با تعقیب سیاست ظالمانه عبدالرحمن خان مرتکب جنایات متعدد گردید. در اکتوبر 1931 اصولنامه اساسی جدیدی را تصویب نمود، و شاه خواست که به مردم و جهانیان نشان داد که شاهی مشروطه را پایه گذاری نموده است. طور مثال از عدم رعایت و تطبیق مواد ذیل اصولنامه میتوان یا آور گردید:

- ماده 9 تساوی اتباع افغانی بدون تفریق دین و مذهب.
- ماده 11 مصونیت شخص و اینکه هیچکس بدون امر شرع و اصولنامه توقیف و مجازات نمیشود.

- ماده 13 تساوی حقوق افراد در وظایف مملکتی و استخدام حکومتی تامین گردد.
- ماده 16 مصونیت مسکن و جایداد تصریح شده در مواد 17/18/19 ضبط املاک و اموال، مصادره - بیگاری - انواع زجر و شکنجه تحریم گردیده.

- ماده 23 آزادی مطبوعات بشرطیکه مخالف مذهب نباشد و عده داده شده بود.
- ماده 76 از مسئولیت وزراء در نزد شورای ملی متذکر شده بود. غلام محمد غبار از عدم تطبیق مواد اصولنامه در طول چهار سال سلطنت نادر شاه در صفحه 105 افغانستان در مسیر ... متذکر شده است. و علاوه نموده که تمام قوانین مدنی و جزائی سابق را ملغی قرارداد و در فیصله جات احکام شرعی، اکثرأ شخص شاه و یا برادرانش تصمیم گیرنده بودند. اکثرأ جزا شکل فردی نداشت بلکه فامیل و حتی منطوقی راداشت طور مثال: - کشتار دسته جمعی حبیب اللدکلکانی و همراهان او. جارج آرنی در صفحه 28 افغانستان گذرگاه... مینویسد که (حبیب اللد راهر گز کسی دستگیر نه نموده بود بر عکس او به اساس یک دسیسه به دام افتاد. او در حالیکه به مقاومت خود علیه نیروهای طرفدار نادر ادامه میداد، نادر در قرآن کریم مهر کرده بود که هرگاه حبیب الله جنگ علیه دولت را پایان دهد، او و همراهانش بخشیده خواهند شد. این قرآن کریم مهر شده را حضرت شوربازار، که مورد اعتماد حبیب الله بود نزد او برد، اگرچه مشاورینش او را از این دسیسه بر حذر ساختند مگر او به خاطر عقیده راسخ به قرآن عظیم الشان داشت، با حضرت شوربازار به کابل آمد، اما نادر خلاف وعده اسلامی خود عمل کرده، ناجوان مردانه و خلاف سوگند به قرآن کریم حبیب اللد و رفقاییش را تیرباران کرد.

- کشتار دسته جمعی (جمعیت جوانان افغان) که همه شان جوانان تحصیل کرده و با دانش بودند. همه آنان را بدون استنطاق و محاکمه به توپ پرانده و یا تیرباران گردیدند.
- قتل غلام نبی خان چرخى بتاريخ 16 عقرب 1311 و بعدا اکثر اعضای فامیلیش زندانی گردیدند.

- کشتار دسته جمعی محمد ولیخان نائب السلطنه امان الله خان بایک تعداد رجال حکومت امان الله خان.

- کشتار مردم کاپیسا، پروان در همان سال اول سلطنت نادرشاه، به بهانه ئی قبلاً سازمان داده شده، مال و دارائی مردم شمالی را به کمک مردم جنوبی تاراج و تعداد زیاد شان را به قتل رسانیده، اسیران را به کابل انتقال داد و در یک روز پنجاه نفر مردم شمالی را اعدام کرد. در سرطان سال 1309 محمد گلخان که شخص ظالم بود، بریاست ولایت شمال با صلاحیت های وسیع تعیین گردید، موصوف مظالم زیاد را در حق مردم شمال کشور، طبق سیاست رژیم انجام داد و تخم نفاق را بین مردم شمال و جنوب کشت نمود. و طبق خصلت بدارش جزا تنها برای مجرم داده نمیشد بلکه اعضای فامیل، دوستان و همسایه گانش نیز در سایه اتهام، مجازات می گردیدند.

کار اجباری، بیگاری و... که خلاف موازین حقوقی و اخلاقی میباشد. بر مردم تحمیل می گردید، چور و چپاول جز کرکتر مسئولین بخصوص نظامیان شده بود، چنانچه در تجاوز و حمله به مناطق شمالی (2378 میل تفنگ، 170 میل تفنگچه 39384 سکه طلا، 149206 سکه نقره را از مردم آن مناطق به یغما گرفت و اینکه چه مقدار مردم حشری و نظامی چپاول نمودند شامل این حساب نمی باشد.

شخص محمد گلخان 15 نفر را اعدام 617 نفر را زنجیر پیچ بکابل فرستاد و 3600 نفر را محکوم به اعمال شاقه کرد و توسط آنان سرک راه پنجشیر را تا کوتل خاواک و تهانان های عسکری اعمار نموده، و یک فرقه عسکری را در آنجا جهت سرکوب مردم جابجا نمود. (مثالهای خوبی از قانون شکنی میباشد).

محمد گلخان طی زمان قدرتش مرتکب صدها جنایت و قانون شکنی دیگر گردید که چند نمونه دیگر آنرا یادآور میگردیم:

- سرایخواجه مرکز کوه دامن، مرکز تجارتي و اداری شهر چاریکار را حریق نمود.
- بعد از قتل عام قیام کننده گان نه تنها خانه های شان را به آتش کشید، بلکه دهات سرسبز آنان را نیز تخریب نمود.

- یک فرد مخالف دولت در چاریکار توسط افراد محمد گلخان بقتل رسید، ملک سلطان محمد جسد مقتول را دفن کرد، بعداً ملک سلطان محمد را به جرم دفن کردن باغی دولت بقتل رسانید و خانه اش آتش زدند. و جسد از قبر کشیده، سر مقتول را از تنش جدا کردند، و به کابل نزد نادرشاه ارسال داشت. این شیوه مجازات الهام از کله مناره های عبدالرحمن خان، و شاهان خونخوار دوره خلفای بنی امیه بود که رژیم نادرشاه دواره آنرا مروج نمود.

شیوه دیگر حکومتداری نادرشاه ایجاد نفاق بین اقوام و ملیتها کشور بود، و در بروز نفاق بقای رژیم را پایدار میدید. طور مثال ایجاد لشکر حشری مرکب از مردمان احمدزائی، کروخیل، جاجی، منگل، وزیر، ورک، میدان و تگاب که مشتمل بر بیست و پنج هزار تفنگدار بود که در پهلوی قوای منظم دولتی، در تحقق اهداف

غیرمردمی ، مرتکب جنایات گردید.قوای حشری حین انجام وظایف، اقدام به چوروچپاول، تاراج منازل،تخریب منازل و قلعه ها ،لت وکوب اهالی با شکنجه های مختلف النوع ،درصورت عدم اطاعت، زنان شان درمحضر عام احضار شده ، یا فروبردن سوزن در پستان زنان آنان وسایراعمال ضدانسانی عقده غیر انسانی خویش را ارضاء میکردند(صفحات 38الی 81 اثر غبار)

- بهمین شکل شاه محمود خان برادر نادرشاه وزیرحرب درسال 1309 هجری بمدت هشت ماه درولایات شمال که قطغن یاد میگردد اجرای وظیفه نمود.مانند برادر خود مرتکب جنایات مختلف،تخطی ازقوانین پرنسیپهای حقوقی،انسانی و اخلاقی گردیدند.موصوف ابتدا باردوی مجهزچهل هزارنفری که مرکب ازدسته جات حشری شامل اقوام وزیری، مسعود،جدران و سایر اقوام بود،اقدام به قتل وکشتارمردم جهت ایجادترس وهراس بین هموطنانما گردیدند . چنانچه غباردرصفحه 77 افغانستان درمسیر تاریخ مینویسدکه(شاه محمود خان شهرخان آباد رامرکزگرفت ویکدستگاه شدیدنظامی ومطلق العنان ایجاد نمود.این دستگاه تمام مردم ولایات بزرگ قطغن را بحیث دشمن تلقی میکرد، عملاًوحشت بیسابقه ایجاد نمود ،درحالیکه متمرد تنها ابراهیم بیگ وقوه کوچک هفتصد نفری اوبود... زنان محبوس درسرای جمشید خان را مورد تعرض وهتك عصمت محافظین قرارگرفت وچنان دستگاهی برپا کرد که باسلطنت مرکزی افغانستان فرقی نداشت. زندانهای متعدد احداث و صدها نفر بیگناه، بشمول زنان ومردان را دستگیرنموده ، بعد از زجر، چوب وتازیانه وقین وفانه ،آنان را بدون محاکمه اقدام به کشتار واعدامهای دسته جمعی مینمود و.....) قراراظهارمیرزامحمدیوسف مدیرقلم مخصوص شاه محمودخان تعداداعدام شده گان درخان آباد از هفتصد نفریشتربود.برعلاوه سایرجنایات وزیرحرب درآن مناطق، درحدود یکهزارخانوارترکمنی رابشمول زنان،اطفال وکهنسالان راپای پیاده تحت نظرقطعه سواره نظام درهوای گرم به کابل انتقال داد، درطول راه هرگاه شحص که توان پیاده آمدن را نمیداشتند،طبق هدایت وزیرحرب کشته میشدند.چون سیاست آنرژیم (تفرقه به انداز و حکومت کن) بود،قوای حشری جنگ قطغن ،بعد ازبازگشت مورد تفقد شاه قرار گرفت . برعلاوه پول نقد ، مدال سرکوبی اشرا ر قطغن راجدیداً ترتیب و به حشری ها اعطا کرد .ونفاق جدیدی رابین مردم کشورما کشت کرد.به همین شکل قانون شکنیهای متعدد که صفحات (24/25/کتاب افغانستان گذر...اثر جارج آرنی - صفحات 73الی 80 افغانستان درمسیر...اثر غبار،صفحات کتاب مردی درحریق تاریخ بملاحظه میرسند.خلاصه طوریکه بملاحظه رسید ، رژیم نادرشاه یکی ازدوره های سیا ، اختناق ، ظلم وستم درکشور ما بود، دولت (قوای ثلاثه) بدست برادران شاه وسایراعضای فامیلش قرارداشت. چون یک تعداداعضای فامیل مذکوردرخارج کشور بزرگ وتربیه شده بودند،حینیکه به کشورآورده شدند، از مردم وجامعه درک نداشتند وفاصله گرفته

،دورخود پیچیده بودند.ازکلتور، عنعنات و وضع زنده گی مردم شناخت نداشتند ، درجنب دولت ، نقش منفی تعداد قابل ملاحظه روحانیون، که درایجاد بینظمی وتخلفات سهم برارزنده داشتند.

بآنکه بعضی قوانین راجهت اغفال ذهنیت مردم وجهانیان تدوین نمودند ولی در عمل مانع تطبیق آن میگردیدند.لذا ازقانون ،قانونیت وحکومت قانون کمتر اثری بملاحظه میرسید.

ادامه دارد

www.hogooq.eu